

طرح ملاک‌های علمی در شناخت و بررسی نوآوری‌های

شعر معاصر ایران

نگاهی به چاپ و ویراست دوم کتاب گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران

کتاب گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران یکی از پژوهش‌های جناب آقای دکتر کاووس حسن‌لی^۱ است که نخستین بار در سال ۱۳۸۳ به همت نشر ثالث و انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی روانه بازار کتاب شد و چاپ دوم آن نیز در پاییز ۱۳۸۶ بر پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها قرار گرفت. در این نوشته برآنیم تا ابتدا به معرفی فصول کتاب و سپس به نقد و بررسی آنها، بر مبنای اصلاحات متن و تغییرات آن در چاپ دوم، بپردازیم.

معرفی اجمالی کتاب و فصول آن

اثر حاضر از ۶ بخش اصلی تشکیل شده است، که به ترتیب عبارتند از: ۱. مقدمه (جریان‌شناسی شعر معاصر)؛ ۲. فصل نخست (نوآوری در حوزه زبان)؛ ۳. فصل دوم (نوآوری در حوزه شکل، فرم و ساختار)؛ ۴. فصل سوم (نوآوری در صور خیال)؛ ۵. فصل چهارم (نوآوری در معنا و محتوا)؛ ۶. فصل پنجم (نوآوری در قالب‌های گذشته شعر فارسی). پیش از این شش بخش اصلی، «سپاسنامه» و «پیش‌گفتار» و در انتهای کتاب نیز دو بخش «شناسنامه مأخذ کتاب» و «نامنامه» به چشم می‌خورد. در پیش‌گفتار کتاب این جملات به قلم نویسنده دیده می‌شود که به انگیزه تألیف کتاب و ویژگی‌های آن می‌پردازد: «از سالیان دور، همواره شاعران، دانشجویان، همکاران دانشگاهی و دیگران، از من درباره نوآوری و چگونگی آن در شعر معاصر می‌پرسند و توضیح می‌خواهند. این پرسش‌های مکرر، بالاخره مرا بر آن داشت تا به سامان دادن یادداشت‌ها و مکتوب کردن پاسخ‌هایم برانگیخته شوم و آن را بدین گونه که در کتاب حاضر می‌بینید، بازنویسی کنم. برای نگارش این کتاب، خوشبختانه یک بار دیگر نزدیک به همه کتاب‌هایی که در پیوند با شعر معاصر نوشته شده است [را] در دو سال گذشته بازخوانی کردم و

سیدفرشید سادات شریفی*



- * گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران.
- * دکتر کاووس حسن‌لی.
- * چاپ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۶.

کوشش من در این کتاب نیز بر این بوده است که بنا بر عادت دیرینه‌ام، از درازگویی و توضیح واضحات بپرهیزم. با این حال، برای عمومی‌تر کردن مباحث کتاب، دست‌کم در سطح دانشجویان ادبیات و رعایت حال این گونه از مخاطبان، ناگزیر شده‌ام در برخی از موارد، دامن سخن را بگستریم» (حسن‌لی، ۱۳۸۶: ۱۸).

در یک نگاه کلی

به نظر نگارنده این سطور، می‌توان نقد هر کتاب را بر این محورهای کلی مبتنی کرد: ۱. اهمیت موضوع کتاب، ۲. گستره و اهمیت منابع اثر، ۳. نوع رویکرد اثر به موضوع پژوهش، ۴. روش کار و محتوا، ۵. کیفیت ظاهری کتاب.

در صورتی که این موارد را به عنوان ملاک‌هایی شامل و همه‌گیر در نقد کتاب بپذیریم، می‌توانیم دربارهٔ چند و چون و خوب و بد آنها در اثر حاضر به بحث پردازیم.

۱. نقاط قوت کتاب

۱-۱. موضوع کتاب، در نوع خود از اهمیتی ویژه برخوردار است و به شرحی که در سطور آینده خواهیم گفت، یافتن و داشتن درکی درست از آن، در شرایط فعلی برای شعرخوانان، شعردوستان، دانشجویان، دانشگاهیان و کلیهٔ افراد مرتبط با این حوزه ضروری است.

۱-۲. منابع کتاب: در سطور پیش، از قول نویسنده خواندیم که ایشان ادعا کرده‌اند نزدیک به تمام کتاب‌هایی که در پیوند با شعر معاصر نوشته شده است را دیده‌اند. بررسی دقیق «شناسنامهٔ مأخذ کتاب»، بر اهل فن و خوانندگان آگاه روشن خواهد کرد که حقیقتاً بخش عظیمی از کتاب‌ها و مجلاتی که می‌شد چیزی دربارهٔ موضوعات مطرح شده در کتاب در آنها یافت، به دقت بررسی شده و اهتمام نویسنده، نه کامل و بی‌عیب، اما بسیار وسیع، مجدانه و راه‌گشا بوده است؛ راه‌گشا از این جهت که اولاً از مراجع، به‌ویژه نشریات بسیاری که دسترسی به آنها به راحتی برای همگان - حتی محققان - میسر نیست، در این اثر استفاده شده و نقل‌قول‌ها در پیوند با موضوع مورد بحث در اختیار خواننده قرار گرفته است؛ ثانیاً: گسترهٔ منابع مورد استفاده باعث شده است که اگر محققان شعر معاصر بخواهند موضوعات دیگری را برای تحقیق برگزینند، بتوانند نشانی گروه مهمی از مأخذ مهم و دست‌اول و بالارزش - نه کتاب‌سازی‌های بازاری - را در این فهرست بیابند.

۱-۳. دربارهٔ نوع رویکرد اثر به موضوع پژوهش، مهم‌ترین خاصیت کتاب حاضر آن است که نویسنده، تعریف مفاهیم و توصیف نوآوری‌ها و مقولات مربوط به آنها را بدون رویکرد تجویزی یا قضاوت‌محور، به عنوان ابزار کار خود برگزیده و به این ترتیب، رویکرد کتاب علمی‌تر، عینی‌تر و بیطرفانه‌تر از زمانی است که گروهی از پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها بر ذهن نویسنده حکومت کند و مشتق باید و نباید در ذهن او بیافریند که خود را به عنوان ابزار قضاوت، به جای تعاریف و توضیحات ضابطه‌مند و دارای ملاک‌های مشخص می‌نشانند. خوشبختانه نویسنده

اثر حاضر به طور آگاهانه کوشیده است در حد ممکن، بدون رویکرد تجویزی و با رویکرد توصیفی وارد بررسی مقولات گوناگون شود؛ از همین روست که از قول ایشان این یادآوری بجا را می‌خوانیم: «واکاوی و بازنمایی گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، الزاماً به معنی تأیید این نوآوری‌ها نیست. اینکه هرکدام از این هنجارشکنی‌ها و نوآوری‌ها تا چه اندازه درست و موفق بوده، سخنی دیگر است که باید در مجال گسترده‌تر در نقد گونه‌های نوآوری پرداخت ... اما هدف ما از این نوشته، تحلیل و نقد یک اثر ادبی که از عناصر گوناگون تشکیل شده باشد، نیست؛ بلکه می‌خواهیم گونه‌های نوآوری را در شعر معاصر ایران بررسی کنیم و اساس این بررسی بر شعر فارسی پس از نیماست» (ص ۱۳).

در کنار این رویکرد توصیفی و غیرتجویزی، هر جا لازم بوده است که برای تبیین نوآوری، به شکل‌های مشابه، اما غیر هنری آن اشاره شود، نویسنده با اشاره‌های بموقع، این امر را بازتابانده و «یادآوری» را به جای «داوری» نشانده است، تا هم از رویکرد و روش اصلی خود به دور نیفتد و هم وجه و وجههٔ آموزشی کتاب را با نغز نکتته‌های لازم خدشه‌دار ننماید (برای نمونه، ر. ک: ص ۲۱۵).

۱-۴. در بحث از روش و محتوای کتاب، به سه نکتهٔ عمده می‌توان اشاره کرد:

۱-۴-۱. در طرح مباحث نظری، نویسنده کوشیده است گزینشی حساب‌شده و با دقت از نوشته‌های پیش از خود را، در اندک‌ترین حجمی که برای آن بحث کفایت کند، بیاورد. در این باب، عبارتی از پیش‌گفتار کتاب قابل توجه است: «سخن دیگر آنکه خواننده در این کتاب با نقل‌قول‌های فراوانی روبه‌رو می‌شود که همه با یادکرد کامل نشانی مأخذ، بازنموده شده است. این بدان دلیل است که هرگاه خواسته‌ام موضوعی را توضیح دهم و دیده‌ام آن را پیش از من کسی دیگر به گونهٔ شایسته در جایی باز گفته است، حقوق دیگران را پاس داشته‌ام و سخن آنان را به نام خودشان به این متن باز آورده‌ام، تا مانند بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران امروزی [!]، نظر دیگران را به نام خودم بازنویسی نکنم» (ص ۱۹).

اینکه می‌گوییم این گزینش‌ها دقیق و حساب شده است، از آن روست که اولاً: شناخت کامل مراجع - که پیش‌شرط کار است - به قراری که گذشت، تا حد زیادی انجام شده است، و ثانیاً: وقتی خوانندگان دقیق‌النظر و اهل فن این نقل‌قول‌ها را با تأمل بررسی کنند، خواهند دید که نه تنها هر مبحث، از قول اولین یا کامل‌ترین مطرح‌کنندهٔ آن نقل شده است، بلکه حضور پررنگ‌تر و پربسامدتر نظردهندگان و منتقدان مهم، به راحتی و وضوح قابل درک و دریافت است.

۱-۴-۲. تقسیم‌بندی‌های کتاب ذیل هر فصل و هر مبحث، با در نظر گرفتن ویژگی آموزشی اثر انجام گرفته و می‌تواند با منظم کردن ذهن خواننده، در دیدبخشی صحیح مؤثر باشد.

۱-۴-۳. از همه مهم‌تر اینکه، در هریک از بخش‌های جزئی

یادشده، پس از طرح مباحث نظری، مثال‌های فراوان و متعددی از شعر شاعران گوناگون آورده شده است، که هم مطالب پیش گفته را برای خواننده عینی می‌کند و هم تنوعشان خواندن کتاب را نه ملال‌آور، که دلپذیر و جذاب می‌کند، و به‌راستی که این تنوع و تکثر مثال‌ها و اصرار آگاهانه مؤلف بر حضور پررنگ آنها در متن، یکی از مهم‌ترین مزایای کتاب است. اینک برخی از نمونه‌ها:

الف. «هنگامی که واژه‌ها، با «ورود ممنوع» روبه‌رو نباشد و شعر بخواید به زبان طبیعی مردم نزدیک شود، بسیاری از واژه‌های معمولی اجازه ورود می‌یابند:

- شاختاران اقاقی / زیر باران / شادا که می‌خوانند و خوش / در صبح اسفند / آوازه‌های خویش را در آن بلندی / گنجشک‌های عصر جنگ و جیره‌بندی (شفیعی کنکلی، هز/ده، ص ۳۰۰).

- سپورهای خیابان سرود می‌خواندند (سپهری، هشت کتاب ص ۳۱۸)

- زندگی شستن یک بشقاب است / زندگی یافتن سکه ده‌شاهی در جوی خیابان است (همان: ۲۹) «همان: ۱۲۰-۱۲۱».

ب. «پدیده‌های زندگی امروز به گونه‌ای ساده و طبیعی در بسیاری از شعرهای معاصر حضور یافته‌اند. همان گونه که پیش از این گفته شد، در این کتاب مجال نقد و بررسی این کاربردها وجود ندارد و تنها به بازنمودن نمونه‌ها پرداخته می‌شود:

- در کوچه / پشت قوطی سیگار / شاعری / استاد بالبداهه نوشت این حماسه را ... / از بوق یک دوچرخه‌سوار الاغ پست / شاعر ز جای جست و ... / مدادش، نوکش شکست (شاملو، لحظه‌ها و همیشه، ص ۷۲).

- ما عشق را به مدرسه بردیم / در امتداد راهروی کوتاه / در یک کتابخانه کوچک / بر پله‌های سنگی دانشگاه / و میله‌های سرد و فلزی / گل داد و سبز شد (قیصر امین‌پور، گزیده اشعار، صص ۴۳-۴۴).

- زمان در نمی‌گذرد / بیا ساعت‌هایمان را بفروشیم / و با پول آن، / شکلات / در دهان کودکان هفتادساله این قرن بگذاریم (موسوی گرماردی، سرود رگبار، ص ۶۱) «همان: ۱۳۵ و ۱۳۷-۱۳۸».

ج. «در این گونه کاربرد، با تقدیم صفت بر موصوف، صفت در نقش اسم، کارکردی ویژه و معنایی گسترده‌تر می‌یابد:

- گفت‌وگو از پاک و ناپاک است / وز کم و بیش زلال آب و آیینه (اخوان، از این اوستا، ص ۷۰)

- صدای خالص اکسیر می‌دهد این نوش (سپهری، هشت کتاب ص ۳۰۷).

- بر بلند کاج خشک کوچه بن‌بست (شاملو، مجموعه آثار، ص ۱۷۳).

- لحظه‌هایی چند در یک منزل گمنام / در وسیع دشت بی‌فریاد / ایستاد (اخوان، دوزخ اما سرد، ص ۲۶۳) «همان: ۱۵۵-۱۵۶».

بر روی هم، این نوع رویکرد در مثال آوردن، دارای حسن عمده

دیگری نیز هست که اهمیت کلیدی دارد: چون گزینش مثال‌ها بر اساس نام‌ها و آوازه‌ها - که در ذهن محقق پیش‌زمینه می‌آفریند - صورت نگرفته و ملاک کار فقط و فقط نوآوری بوده است، دو ویژگی خیلی مهم در این کتاب دیده می‌شود:

۱. از بین خیل کثیر شاعرانی که نمونه‌ها و مثال‌ها از آثارشان انتخاب شده است، کلاً و اجمالاً می‌توان دریافت که کدام‌ها نوآورتر بوده‌اند؛ چون خود به خود سهم بیشتری از مثال‌ها از اشعار ایشان گزینش شده است.

۲. تعداد زیادی از مثال‌های کتاب از شعر شاعرانی است که نوآور بوده، اما کمتر شناخته شده‌اند. حضور اینان در کنار پیش‌کسوت‌ها و نام‌آوران سبب می‌شود که خواننده با طیفی گسترده از مثال‌ها روبه‌رو باشد و با بسیاری از افرادی که نو اندیشیده و نو سروده‌اند، آشنا شود؛ کسانی چون: بهزاد خواجهات، سیروس نوزری و عبدالجبار کاکایی گرفته تا مهرداد فلاح، محمدحسین همافر، اورنگ خضایی، غلامرضا کافی، ضیاءالدین خالقی، علی عبدالرضایی، حمید روزی‌طلب، محمدحسین بهرامیان، هاشم کرونلی و رضا علی‌اکبری.

۳-۵. از نظر کیفیت چاپ - اعم از کیفیت فیزیکی و ظاهر کتاب، حروف‌چینی و صفحه‌آرایی - و همچنین تعداد غلط‌های تایپی، اثر حاضر از کیفیتی قابل‌قبولی برخوردار است. البته ما در قسمت‌های بعدی همین مقاله به پاره‌ای از این کاستی‌ها و نادرستی‌ها اشاره می‌کنیم تا تصحیح آنها در چاپ‌های بعد آسان شود.

۶-۱. سایر محاسن کلی کتاب: علاوه بر نکاتی که تا به حال برشمردیم، موارد زیر را نیز می‌توان در زمره ویژگی‌های مثبت اثر حاضر به حساب آورد:

الف. شروع حساب‌شده و در عین حال جذاب فصول: به عبارت دیگر، به نظر نگارنده این سطور، نوع ورود به مطلب در فصل‌های پنجگانه کتاب، عموماً به نحوی است که خواننده را به خواندن ادامه بحث و سایر صفحات ترغیب می‌کند و از آن مهم‌تر، به شکلی درست و اصولی به بحث می‌نگرد، وارد آن می‌شود و اندک اندک آن را می‌گسترده.

ب. ذکر منابع جهت مطالعه بیشتر در بعضی از پاورقی‌ها، بسیار مفید و راه‌گشاست. این کار از جمله شیوه‌هایی است که اکثر نویسندگان غربی به کار می‌برند و بر غنای اثر خود و بهره‌ای که خواننده می‌تواند از کتاب ببرد، می‌افزایند (برای نمونه، ر.ک: پاورقی شماره ۱۰ از بخش مقدمه (ص ۹۳) درباره تحولات شعری دوره مشروطه، و پاورقی شماره ۴۷ فصل پنجم (صص ۴۸۳-۴۸۴) درباره جریان‌های موجود در غزل).

ج. استفاده از پایان‌نامه‌های دانشجویان به عنوان منبع تحقیق، کنار سایر منابع، سبب شده است تا اطلاعات ارزشمند و البته کمتر در دسترس این آثار هم در اختیار خوانندگان اثر قرار گیرد (ر.ک: پاورقی شماره ۱۹ فصل پنجم (ص ۴۷۳)).

د. ارتباط گسترده نویسنده با نسل جدید شاعران سبب شده است

نویسنده، تعریف مفاهیم و توصیف نوآوری‌ها و مقولات مربوط به آنها را بدون رویکرد تجویزی یا قضاوت‌محور، به عنوان ابزار کار خود برگزیده و به این ترتیب، رویکرد کتاب علمی‌تر، عینی‌تر و بیطرفانه‌تر از زمانی است که گروهی از پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها بر ذهن نویسنده حکومت کند و مشتتی باید و نباید در ذهن او بیافریند که خود را به عنوان ابزار قضاوت، به جای تعاریف و توضیحات ضابطه‌مند و دارای ملاک‌های مشخص می‌نشانند

که با آوردن مثال‌های متنوع و متفاوت - که قبلاً مفصل درباره آنها گفتیم - علاوه بر محتویات تمام کتاب‌ها و مجله‌های مذکور در فهرست مراجع اثر، از شعرهای برجسته و دارای نوآوری‌ای که تا به حال در مجموعه‌ها به چاپ نرسیده‌اند و بیشتر در وبلاگ‌های اینترنتی موجودند نیز استفاده شود؛ مثل شعر «سارا» از آقای بهرامیان و شعر «آقای روح» از آقای روزی‌طلب (ر. ک: صفحات ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۵ از کتاب حاضر و پاورقی‌های مربوط به آنها (شماره‌های ۲۴ و ۲۷)).

هـ. نویسنده، در نقل‌قول‌های دیگران، اگر بخشی اعظم از آن را درست و راه‌گشا یافته اما گوشه‌ای یا نکته‌ای از آن را نادرست دیده است، از آوردن آن خودداری نکرده؛ اما طی اشاره‌ای بسیار کوتاه، به نظر متفاوت خویش یا آن نکته که به نظرش نادرست بوده نیز اشاره نموده است (برای نمونه، ر.ک: ص ۱۵۱).

۷- ۱. اصلاحات صورت‌گرفته در چاپ و ویراست دوم: تغییرات صورت‌گرفته در چاپ دوم اثر، که شامل تصحیح برخی از کاستی‌ها و نادرستی‌های کتاب است، جزء مزایای آن محسوب می‌شود؛ اما این تغییرات چنان بنیادی نیست که چاپ جدید را از ویراست نخست آن چنان ممتاز و متمایز سازد که خوانندگان را به خرید مجدد آن برانگیزد. از این رو و برای استفاده بیشتر دارندگان چاپ اول و صرفه‌جویی در وقت و بی‌نیاز کردن آنها از تطبیق دادن این دو چاپ، موارد اصلاح‌شده در این چاپ - تا آنجا که نگارنده این سطور یافته است و می‌داند - تقدیم این عزیزان می‌گردد (صفحات و مطالب این قسمت بر اساس چاپ اول ذکر شده است):

ص ۱۴۶: ارجاع شعر شاملو، اشتباهاً «باغ آینه» ص ۹۴ ذکر شده بود؛ که در حقیقت متعلق به دفتر آیداه درخت و... (ص ۵۶۱ مجموعه آثار) است، که در چاپ دوم، نشانی اخیر از آن یاد شده است.

ص ۱۴۷: ارجاع شعر شاملو، به اشتباه «آیداه درخت و...» ص ۳۹، ذکر شده بود، که در حقیقت متعلق به دفتر آیداه درخت و... (ص ۵۹۹ مجموعه آثار) است، که در چاپ دوم با ذکر نشانی صحیح آن ذکر گردیده است.

ص ۳۲۱: ارجاع شعر شاملو، به اشتباه «لحظه‌ها و همیشه» ص ۲۴ ذکر شده، که در حقیقت متعلق به دفتر قطننامه (ص ۵۸ مجموعه آثار) است، که مؤلف محترم در چاپ دوم نشانی صحیح آن را به دست داده‌اند.

ص ۱۱۳: «ز نو» به جای «از نو» نوشته شده بود.

ص ۱۳۳: «نه از فلوت»، به جای «اندر فلوت» آمده بود.

ص ۱۵۰: «معنا یا معنای» به جای «معنا یا معانی» نوشته شده بود.

ص ۱۶۷: «روشن بود» به جای «روشن بود که» نوشته شده بود.

ص ۱۹۱: اصطلاح «ساز و کار» به شکل غیرمعمول «کار و ساز» نوشته شده بود.

ص ۱۹۱ «محو نحو» به جای «محو نحو» نوشته شده بود.

ص ۱۹۵: «راهی پیدا کنند» به جای «راهی پیدا کند» نوشته شده بود.

ص ۱۹۹: «درافکنده شده بود.» به جای «درافکنده شده بود» نوشته شده بود.

ص ۲۰۳ (سطر آخر): «پذیرفت» به جای «می‌پذیرفت» نوشته شده بود.

ص ۲۷۸: «بجز» به جای «به جز» نوشته شده بود.

ص ۳۵۴: «هنزای دوم آهوی کوهی» به جای «هنزای دوم آهوی کوهی» نوشته شده بود.

ص ۳۸۰، سطر آخر: به جای ذکر «مجموعه آثار» ص ۷۲۶، عبارت «همان» ص ۷۲۶ آمده بود، که این «همان» ارجاع را به مجموعه هوای تازه - چاپ جداگانه آن به تنهایی - برمی‌گرداند؛ در صورتی که این چاپ و این کتاب اصلاً ۷۲۶ صفحه ندارد و این ارجاع غلط، معنای «همان»‌های بعدی را هم عوض کرده بود.

ص ۴۳۰: «بجز» به جای «به جز» نوشته شده بود.

ص ۴۳۲: تکرار دو سطر آخر این صفحه در صفحه بعد زاید بود.

ص ۴۴۳: ارجاع شعر آقای محمدعلی بهمنی ناقص بود.

از شروع ص ۴۶۴ بیش از یک صفحه از متن، دوباره تکرار شده و شعر مورد اشاره در انتهای صفحه ۴۶۳ و مقداری از مطالب پس از آن از میان افتاده بود.

۲. ضعف‌ها و کاستی‌های کتاب

چنان که ملاحظه کردید، در بخش‌های آغازین مقاله مواردی را به عنوان ملاک‌های نقد یک کتاب معرفی کردیم و سپس حول محور هر یک، به تفکیک، محاسن کتاب حاضر را برشمردیم. اینک در بررسی ضعف‌های کتاب هم دقیقاً به ضعف‌ها و کاستی‌هایی که حول همان محورها در کتاب حاضر وجود دارد، خواهیم پرداخت.



درباره موضوع اثر و منابع آن، و نیز نوع رویکرد نویسنده به موضوع پژوهش، ایراد خاصی به نظر نگارنده نرسید؛ اما درباره سایر قسمت‌ها و موارد، نکته‌هایی هست که در سطرهای بعد خواهد آمد.

۱-۲. در بررسی بخش‌های کتاب - حتی در یک توزیع اولیه و سطحی - اولین چیزی که توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، فقدان فهرست تفصیلی مطالب است، که با توجه به گستردگی مطالب و تعدد تیتراهای اصلی و فرعی، جای خالی آن به شدت هرچه تمام‌تر احساس می‌شود.^۴

۲-۲. در بحث از ضعف‌های اثر حاضر، به لحاظ محتوا می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱-۲-۲. مقدمه اثر، که عنوان فرعی «جریان‌شناسی شعر معاصر» را به دوش می‌کشد، به شکلی بسیار موجز و فشرده، از شعر پیش از نیمه تا «شعر حرکت» - یکی از زیرمجموعه‌های شعر زبان‌گرای دهه هفتاد - را در بر می‌گیرد و در حجمی نسبتاً اندک - ۷۲ صفحه - مقدار زیادی از مطلب را به خواننده منتقل و به اصطلاح، او را بمباران اطلاعاتی می‌کند و درست به دلیل همین اطلاعات بسیار گسترده‌ای که این صفحات آن را در خود فشرده است، اصلاً دور از ذهن نیست که مطالب آن برای خواننده مبتدی و عادی که پیش‌زمینه چندانی درباره تمام یا اکثر مباحث این بخش ندارد، اندکی دشوار، دیرفهم و دیرپاب باشد و او را خسته کند یا حتی برماند. گرچه ممکن است خواندن همین فصل برای خوانندگان دیگری که با اطلاعات و پیش‌زمینه قبلی سراغ کتاب می‌روند، دلپذیر و بدون مشکل باشد؛ اما رویکرد آموزشی سایر بخش‌های این کتاب و توجه نویسنده آن به تبیین مطالب به زبانی ساده و آمیخته با مثال در فصول دیگر - که حاکی از توجه به دانشجویان و قشر کم‌اطلاع‌تر است - در این قسمت تا حدی به حاشیه رفته و

تعداد زیادی از مثال‌های کتاب از شعر شاعرانی است که نوآور بوده، اما کمتر شناخته شده‌اند. حضور اینان در کنار پیش‌کسوت‌ها و نام‌آوران سبب می‌شود که خواننده با طیفی گسترده از مثال‌ها روبه‌رو باشد و با بسیاری از افرادی که نوآندیشیده و نو سروده‌اند، آشنا شود؛ کسانی چون: بهزاد خواجهات، سیروس نوذری، عبدالجبار کاکایی و...

تعداد این‌ها
از مثال‌های
کتاب است
شاعرانی است
که نوآور بوده،
اما کمتر شناخته
شده‌اند.

باعث شده است که در بخش مقدمه، برخی از مقولات و جریان‌ها به دقت سایر مباحث تبیین نشوند و «تعریف» به «توصیف» - آن هم از نوع توصیف ناقص - بدل گردد و ابهاماتی را در ذهن خواننده بر جای گذارد و متأسفانه یکدستی کتاب را، حتی به لحاظ دقت در پرداختن به مطالب، تا حدی به هم زند. تأسف ما وقتی بیشتر خواهد شد که بدانیم بخشی عمده از این توصیفات کلی و ناقص، مربوط به مباحثی است که بعضاً بیشترین ابهام‌ها، کج‌فهمی‌ها و نفهمیدن‌ها را به دنبال خود دارند و بیشترین علامت سؤال‌ها را در ذهن افراد مرتبط با شعر امروز پدید آورده و می‌آورند؛ مباحثی مثل «شعر تجسمی و موج‌ناب» (صص ۶۳ - ۶۴)،^۵ «شعر انقلاب اسلامی»،^۶ «شعر گفتار» (صص ۶۷ - ۷۱)، «شعر زبان‌گرای دهه هفتاد و تأثیر شعر پست‌مدرن بر آن» (ر.ک: صص ۷۱ - ۹۰)،^۷ و «شعر حرکت» (صص ۹۰ - ۹۲).

۲-۲-۲. در سیرری که در بخش مقدمه (جریان‌شناسی شعر معاصر) از شعر پیش از نیمه تا شعر زبان‌گرای دهه هفتاد دارد، جای خالی شعر دهه شصت و جریان‌های مربوط به آن به شدت جلب توجه می‌کند؛ چه، شعر این دهه واسطه‌ای است که شعر پیش از انقلاب را به شعر «دهه هفتاد» می‌پیوندد و بحث از ویژگی و چهره‌های آن (امثال شمس لنگرودی و دیگران) الزامی به نظر می‌رسد.

۳-۲-۲. در صفحات ۲۲۰ تا ۲۲۲ (فصل دوم) کتاب، ذیل «نوآوری در شکل، فرم و ساختار» بحثی تحت عنوان «تغییر و آمیزش لحن‌ها» مطرح می‌شود که توضیحات و مثال‌های آن آمیختگی «گونه‌ها»^۸ گفتاری را القا می‌کند، نه آمیزش لحن‌ها را؛ مثال:

«این چه قیافه‌ای است که به هم زده‌ای؟ / مثلاً آمده‌ایم تفریح! / اینها را زخم به من پراند / و لیس دیگری به بستنی‌اش زد (مهرداد فلاح، از خودم، ص ۲۵)» (ص ۲۲۱).

اگر مطالب این بخش را به طور کامل هم بخوانیم، باز ملاحظه می‌کنیم که توضیحات نویسنده و مثال‌های آن، تماماً به تغییر نوع صحبت کردن، کاربرد کلمات و طرز تلفظ آنها - مثل تفاوتی که در گفتار روزمره و زبان رسمی و معیار دیده می‌شود - برمی‌گردد و چون این تغییرات درست به موقعیت فرد گوینده در هنگام استفاده از آن کلمات و جملات بستگی دارد، آن را در اصطلاح زبان‌شناسی «گونه» گفتاری می‌نامند. اگر منظور نویسنده محترم - آن طور که خود می‌گویند - چیزی فرای تغییر «گونه» و کامل‌تر از آن است، بهتر است توضیحات و مثال‌های خویش را نیز تعویض یا تکمیل کنند، و در غیر این صورت، به جای عنوان فعلی «تغییر و آمیزش لحن‌ها»، «تغییر و آمیزش گونه‌های گفتاری» را به کار برند.

۳-۲. کاستی‌ها در ارجاعات

۱-۳-۲. ارجاع ناهماهنگ یا بعضاً نادرست در نقل اشعار یک شاعر: ایراد در ارجاعات شاملو بارزترین نمونه این بخش است، که بیش از نیمی از موارد را به دفترهای مختلف او - که هریک جداگانه



چاپ شده‌اند - ارجاع داده‌اند و باقی موارد را به مجموعه آثار او - که همه اشعارش را یکجا در بر دارد. این ناهماهنگی گاهی تا جایی پیش می‌رود که در یک صفحه واحد، هر دو نوع این ارجاعات در کنار هم دیده می‌شوند! (برای نمونه، رک: ص ۱۶۳).

نگارنده، نکته مذکور را در جلسه نقد و بررسی چاپ اول کتاب - که در تابستان ۱۳۸۴ به همت حوزه هنری فارس و با حضور مؤلف محترم برگزار گردید - با حضاران و مؤلف در میان نهاد و بعدها نیز که ایشان خواستند از نظرات این شاگرد کوچک برای اعمال پارهای از اصلاحات در چاپ دوم بهره جویند، مجدداً بر لزوم چنین تغییری تأکید ورزید؛ اما دو عامل مهم مانع یکدست نمودن ارجاعات شعر شاملو در متن کتاب (بر مبنای «مجموعه آثار») شد: ۱. اصرار ناشر که بر اساس اصل «صرفه اقتصادی»، تنها اعمال تغییرات محدودی را می‌پذیرفت، تا حدی که به لحاظ فنی، مجبور به هزینه‌کرد مجدد چندانی نگردد؛ ۲. اصرار شخص مؤلف که می‌خواستند کیفیت ارجاعات شعر شاملو به همین صورت حفظ گردد و تنها به اصلاح چند مورد ارجاع اشتباه در چاپ اول رضایت دادند - که به شرح آنها در قسمت «مزایای چاپ حاضر» اشاره رفته است. - استدلال ایشان در این باره چیزی شبیه این جملات بود: «چون من طرح اولیه این کار را از مدت‌ها پیش در ذهن داشتم و طی زمانی طولانی و در سیری تدریجی نمونه‌ها را از دل متون مختلف استخراج نموده‌ام، دوست دارم این حالت - که نشانه و نمود این سیر است - در متن باقی بماند».

اینجانب قضاوت درباره چنین استدلالی را به خوانندگان آگاه وامی‌نهم؛ اما شخصاً بر آنم که نه این استدلال و نه هیچ استدلال دیگری مشابه آن، دلیلی منطقی، عقلانی و علمی برای حفظ چنین دودستگی در متن - آن هم با بسامد تکرار بسیار بالا - نخواهد بود و - با وجود همه احترامی که عمیقاً برای مؤلف دانشور کتاب در وجود خود حس کرده و می‌کنم و با همه مزایایی که برای این اثر قائلم و آنها را در متن همین نوشته برشمرده‌ام - ناگزیر تأکید می‌کنم که این ناهماهنگی‌ها در زمره ایرادهای بزرگ این کتاب است.

برای اطلاع خوانندگان محترم و کمک به آن دسته از افرادی که ممکن است خواهان بازجستن این نمونه‌ها در متن «مجموعه آثار» شاملو باشند، جدولی تهیه شده است که به ترتیب صفحات کتاب حاضر، صفحه هر نمونه را در مجموعه آثار احمد شاملو (جلد اول: شعرها، انتشارات نگاه) نشان می‌دهد:

ردیف	صفحه کتاب گونه‌های نوآوری	صفحه مجموعه آثار	صفحه دفتر جداگانه‌ای که به آن ارجاع داده‌اند
۱	۱۲۰	۹۶۴	در آستانه، ۸
۲	۱۳۳	۱۳۸	هوای تازه، ۸۵
۳	۱۳۵	۴۲۸	لحظه‌ها و همیشه، ۷۲

۴	۱۴۰	۵۷۲	اشتباه‌ها ابراهیم در آتش، ص ۵۴ ذکر شده که در حقیقت متعلق به دفتر آید، درخت و ... است.
۵	۱۴۶	۱۷۷	هوای تازه، ۱۴۶
۶	۱۴۶	۲۴۲	هوای تازه، ۲۳۰
۷	۱۴۶	۷۳۲	ابراهیم در آتش، ۳۴
۸	۱۴۶	۷۰۵	شکفتن در مه، ۳۱
۹	۱۵۲	۷۰۵	شکفتن در مه، ۳۰
۱۰	۱۵۶	۱۰۷	هوای تازه، ۴۲
۱۱	۱۵۸	۹۸۸	در آستانه، ۴۶
۱۲	۱۵۸	۶۵۰	مرثیه‌های خاک، ۲۶
۱۳	۱۶۲	۱۱۳	هوای تازه، ۴۹
۱۴	۱۶۲	۴۲۵	لحظه‌ها و همیشه، ۹۵
۱۵	۱۶۳	۹۶۸	در آستانه، ۱۳
۱۶	۱۶۵	۷۷۱	دشنه در دیس، ۲۶
۱۷	۱۶۷	۴۶۱	آیدا در آینه، ۲۵
۱۸	۱۶۷	۴۶۶	آیدا در آینه، ۳۱
۱۹	۱۶۷	۸۲۵	ترانه‌های کوچک غربت، ۳۲
۲۰	۱۶۹	۶۲۲	ققنوس در باران، ۹۰
۲۱	۱۷۰	۳۳۵	باغ آینه، ۴۳
۲۲	۱۷۱	۲۱۸	هوای تازه، ۲۰۷
۲۳	۱۷۵	۶۱۹	ققنوس در باران، ۶۱
۲۴	۱۷۵	۹۹۸	در آستانه، ۵۹
۲۵	۱۷۶	۷۲۵	ابراهیم در آتش، ۲۹
۲۶	۱۷۶	۷۵۱	ابراهیم در آتش، ۵۸
۲۷	۱۷۷	۶۶۶	مرثیه‌های خاک، ۵۶
۲۸	۱۷۸	۴۴۲	لحظه‌ها و همیشه، ۱۱۳
۲۹	۱۷۸	۹۶۶	در آستانه، ۱۱
۳۰	۱۷۸	۹۷۶	در آستانه، ۲۶
۳۱	۱۷۸	۴۸۶	آیدا در آینه، ۵۷
۳۲	۲۱۹	۹۷۳	در آستانه، ۲۵
۳۳	۲۱۹	۹۷۵	در آستانه، ۲۴
۳۴	۲۲۸	۵۹۶	ققنوس در باران، ۱۶
۳۵	۲۲۹	۶۵۸	مرثیه‌های خاک، ۴۶
۳۶	۲۵۹	۷۵۵	دشنه در دیس، ۹۸
۳۷	۲۹۴	۳۴۶	باغ آینه، ۷۸
۳۸	۲۹۶	۵۱۵	آیدا، درخت و ... و ۲۳
۳۹	۲۹۷	۳۷۲	باغ آینه، ۷۸
۴۰	۲۹۷	۴۲۱	لحظه‌ها و همیشه، ۵۵
۴۱	۲۹۷	۱۰۰۲	در آستانه، ۶۳
۴۲	۲۹۷	۶۱۰	ققنوس در باران، ۳۷
۴۳	۳۰۲	۵۶۵	آیدا درخت و ... و ۱۰۲ و ۱۰۳
۴۴	۳۰۵	۴۶۲	آیدا در آینه، ۲۶
۴۵	۳۱۰	۱۷۷	هوای تازه، ۱۴۵
۴۶	۳۱۳	۶۸۳	مرثیه‌های خاک، ۹۸، ۹۹
۴۷	۳۱۴	۳۲۷	باغ آینه، ۳۸ و ۳۹
۴۸	۳۱۵	۲۲۰	هوای تازه، ۱۹۶
۴۹	۳۲۷	۳۸۵	باغ آینه، ۹۶
۵۰	۳۲۷	۳۷۱	باغ آینه، ۷۷
۵۱	۳۲۷	۴۱۶	لحظه‌ها و همیشه، ۴۵



۵۲	۲۲۷	۴۹	قطعه‌نامه، ۲۸
۵۳	۲۲۷	۴۶۸	آیدا در آینه، ۳۳
۵۴	۲۲۸	۶۷۱	مرثیه‌های خاک، ۶۳
۵۵	۲۲۸	۴۳۸	لحظه‌ها و همیشه، ۱۰۳
۵۶	۲۲۸	۴۹۱	آیدا در آینه، ۶۲
۵۷	۲۲۸	۴۷۵	آیدا در آینه، ۴۳
۵۸	۳۳۶	۷۶۵	دشمن در دیس، ۲۱
۵۹	۳۳۶	۷۱۹	ابراهیم در آتش، ۱۵ و ۱۶
۶۰	۳۶۰	۴۸۸	آیدا در آینه، ۵۹
۶۱	۳۶۵	۱۴۲	هوای تازه، ۹۰
۶۲	۳۷۸	۱۴۳	هوای تازه، ۹۲
۶۳	۳۷۸	۲۸۸	هوای تازه، ۳۱۳
۶۴	۳۷۹	۱۴۰	هوای تازه، ۸۹
۶۵	۳۸۲	۶۲	قطعه‌نامه، ۷۷
۶۶	۳۸۳	۱۴۲	هوای تازه، ۹۰
۶۷	۳۸۳	۲۱۸	هوای تازه، ۲۰۷
۶۸	۳۸۳	۷۴۷	ابراهیم در آتش، ۵۰
۶۹	۳۹۴	۲۹۹	هوای تازه، ۳۲۸
۷۰	۴۰۱	۴۸۸	آیدا در آینه، ۶۱۵
۷۱	۴۰۱	۶۳	قطعه‌نامه، ۷۹

ص ۴۴۲: ارجاع شعر آقای دکتر قیصر امین‌پور ناقص است.
 ص ۴۴۳: شعر آقای دکتر قیصر امین‌پور به جای کتابشان به روزنامهٔ اطلاعات ارجاع داده شده است.

۴-۲. کاستی در پاورقی

پاورقی شمارهٔ ۳۱ از فصل ۵ (ص ۴۶۶) را به منبعی ارجاع داده‌اند که در فهرست شناسنامهٔ مأخذ نیست؛ به این قرار: «حق شناس، علی محمد، از نقد آگاه تهران، آگاه ۱۳۶۱، ص ۶۹» (ص ۴۸۳)؛ که بهتر بود اولاً: به شکل یکدست با بقیهٔ ارجاعات - بدون ذکر مکان و سال نشر در یادداشت‌ها - می‌آمد، و ثانیاً: به کتابی اصلی‌تر، یعنی مجموعهٔ مقالات آقای دکتر حق شناس، ارجاع داده می‌شد؛ بدین قرار: حق شناس، علی محمد، ۱۳۷۰، مقالات ادبی زبان‌شناختی. تهران: نیلوفر، صص ۱۶۲-۱۶۳.

۵-۲. کاستی‌ها و نادرستی‌های نگارش و تایپی

ص ۶۷: انتهای بند اول، گیومه‌ای بسته شده است که معلوم نیست قبلاً کجا باز شده بوده است.

ص ۷۵: عبارت «بار عام داده» در جمله نامفهوم است (دو سطر مانده به خط انتهای صفحه).

ص ۸۹: سه بار تکرار اشتباه «بر سنگفرش» به جای «به سنگفرش»: اسم شعر مزبور، «به سنگفرش» است و گذشته از این، صورت «بر سنگفرش»، وزن عروضی شعر را هم به هم می‌زند و از بین می‌برد.

ص ۱۱۰: «مرگ آن را مشاهدهٔ شنیداری کنیم» یعنی چه؟

ص ۱۴۸: «این» به جای «این»، نوشته شده است.

ص ۱۶۰: «خواهر تکامل» به جای «خواهر تکامل خوشرنگ» نوشته شده است.

ص ۱۶۷: دلیل آوردن علامت نگارشی «...» در سطر سوم این صفحه - از انتهای آن - چیست؟ مگر عبارت مورد اشاره بخشی از یک نقل قول مستقیم بوده است؟ اگر آری، پس چرا هیچ گیومه‌ای به نشانهٔ تعیین حدود این نقل قول دیده نمی‌شود؟

ص ۱۶۹: بهتر است واژهٔ «کُناک» در تمام موارد یا لاقلاً در بار اول حرکت‌گذاری شود؛ نه آنکه دو مورد اول بدون حرکت‌گذاری و دو مورد بعد دارای حرکت باشد.

آیا نحو یا نگارش، یا علایم سجاوندی در پاراگراف آخر ص ۱۷۹ ایراد ندارد؟

ص ۱۸۱: جملهٔ «زبان باید به مرگ زبان، مرگ وجد و شغف زبان هوشیار شود» یعنی چه؟

صص ۲۴۲-۲۴۳: بهتر است شعر «تاکبُن»، سرودهٔ جناب آقای جورکش، که شاعر آن را به شیوه‌ای خاص نوشته تا شکل «دیداری» شعر با مفهومش مرتبط باشد و آن را تقویت کند، در یک صفحه حروف‌چینی شود؛ چون حروف‌چینی فعلی آن «دیداری» شعر را ضعیف

ص ۱۵۶ کتاب حاضر، س ۳: به جای «هشت کتاب سپهری، ص ۳۰۷»، نوشته‌اند: «سپهری، مسافر».

۲-۳-۲. ارجاع ناهماهنگ در شعر سپهری: در ص ۱۷۱ کتاب حاضر، به جای ارجاع به هشت کتاب، به شعر زمان ما (۳) سپهراب سپهری، از آقای حقوقی ارجاع داده‌اند.

۳-۳-۲. ناهماهنگی ارجاع در اشعار شفیعی کدکنی: در ص ۲۳۳ کتاب حاضر، شعر «در جاودانگی» را به کتاب سفرنامهٔ بران، ص ۲۸۷ ارجاع داده‌اند؛ که بهتر بود به اصل کتاب، یعنی هزارهٔ دوم آهوی کوهی، ص ۱۱۶، ارجاع می‌دادند. در ضمن، در همین ارجاع فعلی، عدد ۲۸۷ نادرست است و صحیح آن ۳۸۷ می‌باشد.

۴-۳-۲. سایر موارد:

ص ۲۵۵ کتاب حاضر: پنج مورد ارجاع با استفاده از لفظ «همان»، بدون ذکر صفحهٔ مربوط بعد از هریک.

ص ۲۶۱ کتاب حاضر، س ۴: عنوان شعر را در کنار نام مجموعه ذکر کرده‌اند، که در کل کتاب غیرمعمول است و یکدستی شیوهٔ ارجاع را بر هم زده است (به علاوه، رک: موارد دیگر در همان صفحه، از اشعار آقای علیپور، و صفحهٔ بعد از آن، دربارهٔ شعر آقای خواجهات).

ص ۳۵۳: ارجاع با استفاده از لفظ «همان»، بدون ذکر صفحهٔ مربوط، در یادکرد شعری از شفیعی کدکنی (آخرین مثال در این صفحه).
 ص ۳۸۶: جای عدد ۱۷ (نشانهٔ پاورقی) در متن جملهٔ مربوط نامناسب به نظر می‌رسد.

ص ۴۲۶: جملاتی در میان علامت گیومه (نشانهٔ نقل قول مستقیم)، آمده است، بدون آنکه پس از اتمام آن، به منبعی خاص ارجاع داده شده باشد.



کرده است.

ص ۳۴۴: آیا جمله «این شکل نوشتاری سوغاتی است که شاعران ایرانی به تقلید از شاعران غربی گرفته‌اند» به لحاظ دستوری درست است؟ آیا «سوغات گرفتن به [با؟] تقلید از»، فعل درستی است؟ ص ۳۵۳: «گلوی» به جای «گلوله» نوشته شده است.

ص ۴۷۸ (بالای صفحه): بخشی از شعر با علامت «/» جدا شده و بخش عمده دیگر در سطور زیر هم نوشته شده، که ناهماهنگ است. به علاوه، مورد مشابه آن در ص ۴۷۹ نیز دیده می‌شود، که مشخص نیست این نوع نگارش از خود شاعر است یا ایراد تایپی است؟

نتیجه‌گیری

به عنوان جمع‌بندی برآیند سخنان پیشین درباره نقاظ ضعف و قوت کتاب، می‌توان نتایج و کارکردهای وجودی کتابی با ویژگی‌های یادشده را - به طور خلاصه و فهرست‌وار - چنین برشمرد:

۱. تبیین مفهوم «نوآوری» در شعر معاصر و باز نمود انواع (گونه‌های) آن و ساز و کارهای کلی و برجسته‌ای که این نوآوری‌ها بر آن مبتنی‌اند.
۲. دادن دید کلی مناسب و اصولی و در عین حال نسبتاً جامع، تفاوت‌های اساسی «شعر نو» و «شعر کهن» به عنوان دو مفهوم «سبک‌شناختی».

۳. دسته‌بندی منظم مفاهیمی که معمولاً و در ذهن اکثر خوانندگان به صورت پراکنده وجود دارد؛ حتی اکثر کسانی که در حوزه شعر معاصر مطالعه بیشتر و پیش‌زمینه غنی‌تری دارند.

۴. ایجاد یا تقویت و تعمیق توان برقراری ارتباط با جهان شعر نو و معاصر در مخاطب (جهانی که هنوز هم معدّل و متوسط شناخت مردم جامعه ما از آن نسبت به شعر کهن کمتر یا کم‌عمق‌تر است) به مدد جا افتادن مفهوم «نوآوری» و یافتن فهم همه‌جانبه‌تر ساز و کارهای آن.

۵. دادن دید کلی و ابزار سنجش - از نوع علمی و دقیق، نه

حسی و سلیقه‌ای - نسبت به «نوآوری»ها و انواع ارزشمند، سازنده یا بی‌ارزش، و مخرب آن، و منطقی و ابزارمند کردن «قضایات» در باب سنت و نوآوری در قلمرو شعر. به بیان دیگر، از این پس اگر کسی بخواهد درباره «گونه‌های نوآوری» در شعر شاعر یا شاعران خاص یا دوره‌های زمانی مشخص تحقیق کند، می‌تواند با دید و ملاک‌های جزئی و کلی‌ای که پس مطالعه این کتاب می‌یابد، چارچوبی روشن و علمی برای بررسی خود ترسیم نماید و به کار پردازد. حتی اگر بسیاری از آن ملاک‌ها را نپذیرد و به کلی تغییر دهد، باز هم دیدی روشن، واضح و شفاف، که کتاب حاضر آن را ایجاد یا تقویت می‌کند، یاری‌رسان و راه‌گشای او در هر نقد و تحلیل خواهد بود. به عبارت دیگر و از دیدگاهی کلی‌تر، با تألیف این کتاب، قدمی مثبت، نه فقط در راه پژوهش‌های شفاف‌تر، منطقی‌تر و علمی‌تر برداشته شده، بلکه شاید این شفافیت و دقت، به سایر افراد درگیر و مرتبط با شعر تسری یابد و ابزاری به دست طرفین جدال کهنه «سنت و مدرنیته» - که در غیاب «تفاهم» و «ابزار

سنجش» همچنان به جدال مشغولند - بدهد و اگر این هدف دوم - حتی به صورت محدود و ناقص - دستیاب شود، کتاب حاضر - در حدّ خود- خلأ کلان‌تری را کمی پر کرده، یا بر این جراحت چرکین کهن، مرهم‌گونه‌ای می‌نهد. باید ایستاد و دید در گذر زمان با حضور این کتاب چه پیش خواهد آمد و بر آن و نویسنده‌اش چه و چه‌ها خواهد گذشت.

پی‌نوشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

۱. دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

۲. برای نمونه می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

(۱) مقاله «دستان سوم: زبان شعر»، نوشته احمد اخوت، در مجله زنده‌رود (اصفهان)؛

(۲) مجموعه نوقلم خوشه‌های فرهنگ و ادب دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی.

۳. خطاهای کشیده‌شده زیر بعضی از کلمات نمونه‌ها، از مؤلف محترم کتاب است؛ که ما نیز در اینجا به جهت رعایت امانت، آنها را عیناً به همان صورت (و بدون تغییر) می‌آوریم.

۴. نگارنده، ضمن نگارش مقاله حاضر، فهرست تفصیلی پیشنهادی خود را نیز تنظیم کرده بود، که به جهت جلوگیری از اطاله کلام، از آوردن آن در اینجا خودداری نمود.

۵. لطفاً به کلی بودن توضیحات اندک حجم این بخش و نهایتاً مشخص نشدن مصادیق «ویژگی‌های درونی و بیرونی شعر حجم» که مدام با ضمیر و اشاره از آنها یاد می‌شود، دقت کنید.

۶. نویسنده محترم در دو صفحه و نیم، این جریان بسیار بزرگ و پر دامنه را به طور ناقص مطرح کرده و از آن گذشته‌اند (صص ۶۵ تا ۶۷ کتاب حاضر).

۷. در پیوند با این موارد، تنها می‌توان به چند نکته جزئی اشاره کرد؛ مثلاً درباره مبحث اثربخوری، شامل از ترجمه اشعار غربی می‌توان (جهت کامل کردن آن) به کتاب نقد آثار احمد شاملو از آقای دستغیب، صص ۱۲۲ تا ۱۲۷ اشاره کرد.

۸. برای توضیح درباره مفهوم «گونه» در زبان‌شناسی، ر. ک: کتاب درسی زبان فارسی یک (سال اول دبیرستان).

۹. در اینجا تشکر از کمک و همراهی دوست و همکار سابق سرکار خانم صابونچی رضایور که با سرعت و دقت این جدول را فراهم کردند و در اختیار نگارنده قرار دادند، بایسته است.

کتابنامه

- حسن‌لی، کاووس، ۱۳۸۶، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. چاپ دوم، تهران: نشر ثالث/ انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارس.